

چرا ایده علی اکبر صالحی جدی گرفته نشد؟ آیا وزیر خارجه اسبق از اوضاع داخلی آمریکا بی خبر است؟

اشتباهات محاسباتی یا شروع پروژه انتخاباتی


زهره طیبی

خبرنگار گروه سیاست

«ضد آمریکا بودن خطرناک است. ما باید منافع ملی ما را اول بگیریم، مخالفت باسلطه آمریکا احتیاجی از منافع ملی ماست ولی در سلسله مراتب منافع ملی ما حتما مثل تمامیت ارضی ما نیست. حتما مثل حاکمیت ملی ما نیست. حتما مثل رفاه اقتصادی ما نیست. لذا ضد آمریکایی بودن خوب است ولی نه اینکه تبدیل بشود به هدف اول منافع ملی شما.» این بخشی از صحبت‌های محمدجواد ظریف است که روز ۲۲ تیر ماه در خانه اندیشمندان علوم انسانی بیان شد. ظریف تأکید کرد ضد آمریکایی بودن برای ایران خطرناک است. چند روز بعد در ۲۷ تیرماه، عراقچی، معاون سیاسی وزارت خارجه دولت دوازدهم و دبیر شورای راهبردی روابط خارجی در نشستی با موضوع نقد و بررسی کتاب سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ ضمن بیان اینکه برجام دشمنان زیادی دارد و دشمن بزرگ اسرائیل است، گفت: «در دولت آمریکا فرصت به وجود آمده تا برجام همچنان حفظ شود. در داخل نیز برجام همچنان در دستور کار جمهوری اسلامی قرار دارد و باید اجازه دهیم تا تیم حاضر در آرامش کامل کار کند و نکته منفی و حاشیه‌ای ایجاد نکنیم.» علی اکبر صالحی، رئیس پیشین سازمان انرژی اتمی نیز، ۳۱ تیرماه در گفت‌وگو با انتخاب، ضمن بیان اینکه الان وقت مناسبی برای شروع مذاکره همه‌جانبه با آمریکا است، گفت: «من فکر می‌کنم شاید الان وقتش باشد که بتوانیم گفت‌وگوی همه‌جانبه‌ای داشته باشیم که شاید اگر عنوانی برایش داشته باشیم، همان گفت‌وگوی سیاسی باشد. چون گفت‌وگوی سیاسی دربردارنده همه جوانب است. برجام هم می‌تواند در زمره همین گفت‌وگوهای سیاسی باشد. امنیت منطقه هم می‌تواند در آن باشد. مسائل اقتصادی هم می‌تواند باشد. همه موضوعات مبتلا به می‌تواند در این گفت‌وگو لحاظ شود.» نگاهی به اظهارات و صحبت‌های اخیر برخی از اعضای سابق تیم دیپلماسی دولت روحانی، حکایت از آن دارد جریانی که معتقد بود باید تحت هر شرایطی با آمریکا مذاکره کرد، دوباره فعال شده و اذعان می‌دارد اکنون فرصت مناسبی برای آغاز و به نتیجه رساندن مذاکره است. علی اکبر صالحی علاوه بر تأکید بر مذاکره همه‌جانبه، اظهاراتش در مورد لزوم مذاکره با آمریکا را به انتخابات پیش رو در کشور نیز پیوند زد تا اهداف داخلی صحبت‌های اخیر اعتدال گریبان در مورد مذاکره با آمریکا را بیان کرده باشد. در ادامه قصد داریم ضمن بررسی این اظهارات و پرداخت به اینکه اساسا چقدر پیشنهاد مذاکره با آمریکا در شرایط فعلی منطقی و قابل اجراست، به این موضوع بپردازیم که تلاش رسانه‌ای تیم سیاست خارجی دولت روحانی برای تحمیل مذاکره با آمریکا چه اثراتی می‌تواند داشته باشد.

اتفاقا الان وقتش نیست

در روزهای بسروز ناآرامی در خیابان‌های ایران بود که یکی از براندازان دوربین به دست از بایدن رئیس جمهور آمریکا خواست که به‌طور رسمی اعلام کند برجام مرده است. بایدن در پاسخ گفت که برجام مرده اما نمی‌توانیم آن را اعلام کنیم. رئیس‌جمهور آمریکا مشخصا اعلام کرد که از دید آنها برجام مرده است اما به دلایلی نمی‌خواهد آن را رسما اعلام کند. این اظهارات در روزهای بروز ناآرامی و در شرایطی مطرح شد که آمریکایی‌ها برخلاف تمایل ایران و اروپا برای به نتیجه رسیدن مذاکرات، زیر میز مذاکره زدند و عملا توافقی حاصل نشد. بعد از گذر از ناآرامی‌ها و با آغاز برخی مذاکرات غیر مستقیم، با وجود گمانه‌زنی‌هایی که عموما درباره نتایج مذاکرات در رسانه‌ها منتشر می‌شد، برکناری رابرت مالی، نماینده ویژه آمریکا در امور ایران این گزاره را پررنگ می‌کرد که اختلافاتی در تیم مذاکره‌کننده آمریکایی وجود دارد. از طرفی نیز کنگره آمریکا ضمن مخالفت با ادامه مذاکرات با ایران، به دنبال تصویب کردن طرحی است که هر تصمیم دولت آمریکا مبنی بر تعلیق یا لغو تحریم‌ها را مشروط به تأیید کنگره خواهد کرد. آمریکا اکنون نیز

در آستانه برگزاری انتخابات ریاست جمهوری قرار دارد و عموما در چنین شرایطی و با آغاز دعواهای سیاسی میان دموکرات‌ها و جمهوری خواهان، بیشتر توجه سیاستمداران آمریکایی بر انتخابات متمرکز شده و آمریکایی‌ها به این بهانه از دادن امتیازات در میز مذاکره اجتناب می‌کنند. نگاهی به آنچه در میان سیاستمداران آمریکایی درباره مذاکرات با ایران، گذشته، نشان می‌دهد که اگرچه علی اکبر صالحی اظهار می‌کند که اکنون فرصت مناسبی برای آغاز مذاکره همه‌جانبه با آمریکا است اما با توجه به آنچه در دولت و کنگره آمریکا درباره مذاکرات با ایران گذشته، می‌توان گفت اتفاقا اکنون، فرصت مناسبی برای آغاز گفت‌وگوی سیاسی با آمریکا آن هم همه‌جانبه فراهم نیست و علاوه بر اینکه غرب نسبت به آن تمایلی نشان نمی‌دهد، با فرض آغاز چنین مذاکراتی ایران نمی‌تواند از موضع قدرت در این گفت‌وگوها حاضر شود.

توافقی بزرگ‌تر با آمریکایی که برجام را نقض کرد؟

بعد از خروج آمریکا از برجام بود که روحانی رئیس‌جمهور وقت، ضمن بیان این نکته که اعلام خروج آمریکا از برجام تصریحی بود بر

گزارش

چراموج رادیکالیسم در شرق کشور تشدید شده است؟

یارگیری ترور از زخم ۱۴۰۱ سیستان

نیز رقم زد. چندین بمب گذاری و حمله انتحاری به مساجد و مراکز نظامی و انتظامی استان که توسط این گروهک انجام شد در طی حدود ۶ سال حدود ۲۰۰ کشته بر جای گذاشت. بسیاری از این شهدا هم از مردم عادی و غیرنظامی بودند. اما پس از دستگیری ریگی در اسفند ۸۸ و سپس اعدام او در خرداد ۸۹، این گروهک بیش از پیش تضعیف شد و کم‌کم رو به سمت انحلال پیش رفت. علی‌رغم اینکه این گروهک خود را مدافع اهل سنت و قوم بلوچ می‌دانست، به شدت در میان مردم منطقه منفور بود. دستگیری ریگی موج گسترده‌ای از شادی را در میان مردم استان برانگیخت و روز پس از اعلام خبر دستگیری او هنوز هم یکی از خاطره‌انگیزترین روزهای زاهدان است که سراسر شهر این اقدام را جشن گرفتند.

جیش‌الظلم؛ میراث نیمه‌جان اما خطرناک ریگی

پس از انحلال گروهک ریگی که خود را جندالله می‌خواند، تروریست‌های بازمانده در سال ۹۱ به رهبری صلاح‌الدین فاروقی، گروهک جیش‌الظلم را تشکیل دادند. فاروقی قبل از مرگ ریگی از اعضای ارشد جندالله بوده و این گروهک را نیز با هدف ادامه راهی که ریگی در پیش گرفته بود پایه‌گذاری کرد. جیش‌الظلم به علت نفرتی که مردم منطقه از جندالله داشتند هیچ‌وقت نتوانست به اندازه جندالله عضوگیری کند و اقدامات این گروهک را تکرار کند.

فعالیت‌های مسلحانه این گروهک به جز یک مورد تنها به حمله گشت‌ها و پاسگاه‌های مرزی محدود بوده و در تنها اقدام انتحاری خود در بهمن سال ۹۷ با منفجر کردن یک اتوبوس حامل نیروهای سپاه پاسداران منجر به شهادت ۲۷ نفر از سرنشینان اتوبوس شد. اما این گروهک که در سال‌های گذشته

هیچ اقدام مسلحانه‌ای انجام نداده بود در ماه‌های گذشته مجددا فعال شده است. اعضای این گروهک در ۳۰ اردیبهشت امسال با حمله به یک برجک مرزبانی ۵ نیروی نظامی را به شهادت رساندند و همچنین مسئولیت حمله مسلحانه دو هفته گذشته به کلانتری ۱۶ زاهدان را به عهده گرفتند. به نظر می‌رسد که این آخرین اقدام این گروهک نیز نباشد و باید منتظر خرابکاری‌های بعدی آنها در استان باشیم. اما چه باعث شده که این گروهک دوباره فعال شود؟

زخم‌های تازه و فرصت‌طلبی تروریست‌ها

حوادث هشتم مهر سال گذشته در زاهدان، یکی از تلخ‌ترین روزهای استان سیستان و بلوچستان را رقم زد. در این روز عده‌ای از مردم با این ادعا که یک دختر ۱۵ ساله در کلانتری چاپهار مورد تعرض قرار گرفته به بهانه مطالبه برخورد با فرد خاطی پس از نمازجمعه در مقابل کلانتری نزدیک به محل برگزاری آن تجمع کردند؛ تجمعی که خیلی‌زد منجر به شروع درگیری بین معترضان و ماموران می‌شود و در این بین عده‌ای از طرفین کشته و مجروح می‌شوند. سوءاستفاده برخی چهره‌های افراطی و برخورد نسنجیده تعدادی از ماموران کلانتری باعث می‌شود عده‌ای از مردم بی‌گناه هم جان خود را در این حادثه درناک از دست بدهند. این اتفاق منجر به جریحه‌دار شدن احساسات عمومی مردم استان می‌شود و اعتراضات زیادی را در پی دارد. همین اعتراضات و دلخوری‌ها باعث شد تروریست‌ها به فکر سوءاستفاده از احساسات مردم منطقه بیفتند. تصور تروریست‌ها این بود که

می‌توانند بدون اینکه مورد نفرت و سسرتزش مردم منطقه قرار گیرند، اقدامات تروریستی خود را از سر بگیرند. تجربه نشان داده است درکنار اقدامات امنیتی جهت مقابله با گروهک‌ها، حس منفی مردم به تروریست‌ها و اقدامات‌شان نیز می‌تواند در طرد و ضعیف شدن آنها به‌شدت مؤثر باشد. گروهک‌های تروریستی که خود را مدافع حقوق اهل تسنن و بلوچ‌ها می‌دانند، اگر از سوی قاطبه مردم اهل سنت و بلوچ منطقه طرد شوند، اساسا دیگر هویتی برای خود نخواهند داشت. این گروهک‌ها برای ایجاد بدنه اجتماعی به‌دنبال جازن خود به‌عنوان مدافع حقوق مردم استان هستند و چه فرصتی بهتر از حمله به کلانتری‌ای که حادثه تلخ هشتم مهرماه از آنجا شروع شده‌بود. مردم سیستان و بلوچستان همواره در صف اول مقابله با تروریسم بوده‌اند، واکتش مردم به دستگیری ریگی خود بر خیلی‌ای گفته‌ها و ناگفته‌ها گواهی می‌دهد؛

اما باز ماندن زخم‌هایی که از حادثه هشتم مهر بر روح و جان این مردم باقی‌مانده بهترین فرصت را برای تروریست‌ها خلق می‌کند که دوباره به میدان بیایند و خود را به‌عنوان مدافعان دروغین حقوق اهالی بلوچستان جا بزنند. هرچند تروریسمی که ریگی به‌عنوان میراث خود در منطقه به جای گذاشته، امروز بسیار ضعیف شده است اما باید توجه داشت این میراث نیمه‌جان از هیچ فرصتی برای احیای خود دریغ نمی‌کند و باید با التیام بخشیدن هرچه سریع‌تر به زخم‌های بازمانده از سال قبل، فرصت اقدامات بیشتر از این گروهک را سلب کرد.



برجام نیستند، چطور می‌توان از مهیا بودن شرایط برای گفت‌وگو در جهت حصول توافقی بزرگ‌تر و جامع‌تر از برجام صحبت و اطمینان حاصل کرد که طرف غربی به آن پایبند خواهد ماند؟

ادعای لزوم مذاکره همه‌جانبه با آمریکا با انگیزه سیاسی
با نگاهی دقیق به آنچه در فضای بین‌الملل در حال وقوع است، می‌توان گفت اظهاراتی که از جانب علی اکبر صالحی و برخی دیگر از شخصیت‌های سیاسی‌مبنی بر مهیا بودن شرایط برای آغاز گفت‌وگوها با آمریکا مطرح می‌شود، با واقعیت موجود در فضای بین‌المللی درباره مذاکرات مطابقت ندارد. از طرفی نیز این سوال ایجاد می‌شود که مطرح کردن لزوم شروع مذاکره همه‌جانبه با آمریکا، آن هم به صورت علنی و در فضای رسانه‌ای به چه منظور صورت گرفته است. با توجه به اینکه چنین اظهارنظری از جانب یک شخصیت سیاسی که سابقه فعالیت دیپلماتیک در ایران داشته و در مذاکرات حضور داشته، مطرح می‌شود، این سوال ایجاد می‌شود که آیا ارسال پیام برای آغاز مذاکره همه‌جانبه در شرایطی که بدعهدی غرب باعث به وجود آمدن مشکلات فعلی در اجرای برجام شده است، ایران را در موضع ضعف قرار نمی‌دهد؟
بالبین وجود به نظر نمی‌رسد که جریان «مدافع مذاکره با آمریکا تحت هر شرایطی»، نسبت به واقعیت‌های دیپلماتیک آگاهی نداشته باشد. صالحی که در فضای علنی صحبت از مذاکره همه‌جانبه با آمریکا را به میان آورده خود در زمان مسئولیتش در دولت دهم به‌صورت پنهانی مذاکرات هسته‌ای با آمریکا را از کانال عمان جلو برده است. این تجربه دیپلماتیک باعث می‌شود چنین اظهاراتی از جانب صالحی معقول به نظر نرسد مگر آنکه صالحی اهداف غیردیپلماتیک دیگری را هدف قرار داده باشد. اظهارات صالحی در مصاحبه اخیر خود نشان می‌دهد این اظهارات بیشتر از آنکه با انگیزه‌هایی در راستای موفقیت ایران در عرصه دیپلماتیک مطرح شده باشند با هدف تحقق انگیزه‌های سیاسی و جناحی در داخل کشور مطرح می‌شوند. اظهارات مطرح شده نشان می‌دهد، جریان مذکور به دنبال آن است که با مطرح کردن این گزاره که لازم است مذاکره‌ای همه‌جانبه با آمریکا صورت بگیرد، در انتخابات پیش‌رو، مجلس و انتخابات ۴-۱۴۰، بار دیگر همان بازی دوقطبی‌سازی مذاکره با عدم مذاکره با آمریکا را پباده کند، موضوعی که البته اشاره صالحی به انتخابات امسال نیز صحیح بودن چنین گزاره‌ای را تقویت می‌کند: «سال سال انتخابات است. ما باید کاری کنیم که بهانه به‌دست‌دیگران ندهیم و شاهد رفتارهای ناهنجار در جامعه، از هر طرفی که باشد، نباشیم. خیلی باید با تدبیر عمل کنیم. این یک سال را باید با تدبیر جلو ببریم و انسجام و وحدت ملی خودمان را حفظ و تقویت کنیم. اگر این امر محقق شود، ما می‌توانیم وارد یک گفتمان سازنده و تقریبا هم‌وزن با غرب شویم.»

عمل به دستورات روی زمین‌مانده رهبر انقلاب؛ بهترین راه پیش‌رو

حدود ۴۰ روز بعد از حادثه تلخ هشتم مهرماه زاهدان، هیاتانی به ریاست محمدجواد حاج‌علی اکبری، رئیس شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه، از سوی رهبر انقلاب ماموریت یافتند تا با سفر به سیستان و بلوچستان پای حرف اقشار و گروه‌های مختلف مردم منطقه بنشینند و دستورات چهارگانه رهبر انقلاب در رابطه با حوادث سیستان را پیگیری کنند. گرچه مشروع دستورات ایشان به‌صورت عمومی منتشر نشده است اما این دستورات به نقل از سایت دفتر حفظ و نشر آثار رهبر انقلاب چهار محور اصلی داشتند: «آزادی دستگیرشدگانی که جرم سنگین و مؤثری مرتکب نشده بودند»، «برخورد قاطع و بدون تسامح با خاطیان»، «رسیدگی به وضعیت آسیب‌دیدگان»، «اعطای عنوان «شهید» به جان‌باختگان بی‌گناه پس از رسیدگی بنیاد شهید به پرونده‌های تشکیل شده».
برخورد با خاطیان حادثه هشتم مهر ماه از خواسته‌های اصلی مردم منطقه در ماه‌های گذشته نیز بوده است. بنابر گفته مقامات قضایی پرونده این افراد در حال رسیدگی جدی است. اما انتظار جامعه و به خصوص مردم منطقه این بوده که از چنین پرونده مهمی بعد از گذشت حدود ۹ ماه از حادثه خبری رسیده باشد، آن‌هم پرونده‌ای که رهبر انقلاب درباره آن دستور مستقیم و موکد صادر کرده‌اند. اما هنوز خبری از روند رسیدگی به پرونده خاطیان حادثه منتشر نشده است و مردم همچنان چشم‌انتظار اجرای عدالت هستند. طبیعی است که این پرونده به شدت حساس و نیازمند بررسی‌های زیادی است، اما در شرایطی که مردم به شدت منتظر سرنوشت پرونده هستند، اینکه بعد از ۹ ماه هنوز پرونده هیچ پیشرفتی نداشته باشد چندان منطقی به نظر نمی‌رسد. اگر هم پرونده

پیشرفتی داشته هنوز به اطلاع مردم نرسیده است که این خود با وجود چشم‌انتظاری مردم اشتباهی مضاعف است. دستور رهبر انقلاب درباره برخورد با خاطیان و مجرمان حادثه زاهدان به اندازه کافی صریح است و نیاز به توضیح بیشتری ندارد. همان‌طور که در هفته گذشته در پیشنهاد‌های هشت‌گانه به دبیر جدید شورای عالی امنیت ملی شرح داده بودیم «برخورد قاطع و بدون تسامح با خاطیان» می‌تواند کلید حل بسیاری از معضل‌های امنیتی سیستان و بلوچستان باشد.



دستور رهبر انقلاب درباره برخورد با خاطیان

و مجرمان حادثه زاهدان به اندازه کافی صریح است و نیاز به توضیح بیشتری ندارد.

«برخورد قاطع و بدون تسامح با خاطیان» می‌تواند کلید حل بسیاری از معضل‌های امنیتی سیستان و بلوچستان باشد